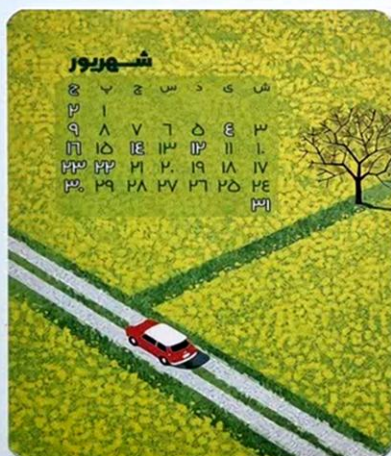


تقویم هفته





« ۲ اسفند ماه روز جهانی زبان مادری (۲۱ فوریه) »

نخستین واژه‌ای که هر انسان بر زبان می‌آورد، فقط یک صدا نیست؛ نشانه‌ای است از تعلق، خاطره و هویت. زبان مادری، پیش از آن که وسیله گفت‌وگو باشد، خانه‌ای است که اندیشه در آن شکل می‌گیرد و احساس در آن معنا می‌یابد. روز جهانی زبان مادری، در ۲۱ فوریه، فرصتی است برای مکث در برابر این حقیقت ساده اما ژرف؛ اینکه جهان، با همه تنوعش، از زبان‌ها نفس می‌کشد.

این روز به ابتکار یونسکو در تقویم جهانی ثبت شد تا اهمیت تنوع زبانی و فرهنگی و ضرورت پاسداشت زبان‌های بومی و محلی یادآوری شود. در دنیایی که سرعت ارتباطات و یکسان‌سازی فرهنگی رو به افزایش است، بسیاری از زبان‌ها در معرض فراموشی قرار گرفته‌اند؛ زبان‌هایی که هر یک حامل تاریخ، جهان‌بینی و شیوه زیست مردمانی خاص بوده‌اند.

زبان مادری، پایه نخست آموزش و یادگیری است. کودک از مسیر زبان مادری، جهان پیرامون خود را می‌شناسد، مفاهیم را درک می‌کند و هویت خویش را می‌سازد. آموزش به زبان مادری، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی، نقش مهمی در افزایش کیفیت یادگیری، تقویت اعتمادبه‌نفس و کاهش شکاف‌های آموزشی دارد. بی‌توجهی به این اصل، نه تنها به تضعیف زبان‌ها، بلکه به تضعیف ظرفیت‌های انسانی منجر می‌شود.

در سطح اجتماعی، پاسداشت زبان مادری به معنای احترام به تنوع و همزیستی فرهنگی است. جامعه‌ای که زبان‌های گوناگون را به رسمیت می‌شناسد، زمینه گفت‌وگو، همدلی و مشارکت گسترده‌تر شهروندان را فراهم می‌کند. زبان‌ها در چنین فضایی، نه مرزهای جدایی، بلکه پل‌های ارتباطی میان نسل‌ها و فرهنگ‌ها خواهند بود.

روز جهانی زبان مادری، مسئولیتی فراتر از یک مناسبت نمادین را یادآور می‌شود. حمایت از تولید محتوای فرهنگی و آموزشی به زبان‌های بومی، مستندسازی و ثبت آن‌ها، و فراهم کردن بسترهای قانونی و اجتماعی برای کاربردشان، از گام‌های اساسی در مسیر حفظ این میراث زنده است.

خانواده‌ها، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها، هر یک نقشی تعیین‌کننده در این فرآیند دارند.

این روز با یادآوری یک پرسش ساده به پایان می‌رسد: اگر زبان‌ها خاموش شوند، جهان چگونه روایت خواهد شد؟ پاسداشت زبان مادری، پاسداشت حق انسان برای اندیشیدن، احساس کردن و روایت جهان به زبان ریشه‌های خویش است. ۲۱ فوریه، نه فقط روز زبان‌ها، که روز احترام به تنوع انسانی و حافظه مشترک بشر است.



« ۵ اسفند ماه روز مهندسی و بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی »

گاهی بزرگ‌ترین تغییرات جهان، در سکوت یک ذهن خلاق رقم می‌خورد؛ ذهنی که فراتر از زمان خود می‌اندیشد و با دانش و نوآوری، چارچوب‌های فکری و عملی جامعه را بازتعریف می‌کند. روز مهندسی و بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی، یادآور همین توانایی انسانی است: قدرت اندیشه و خلاقیت که مسیر پیشرفت و آبادانی را هموار می‌سازد.

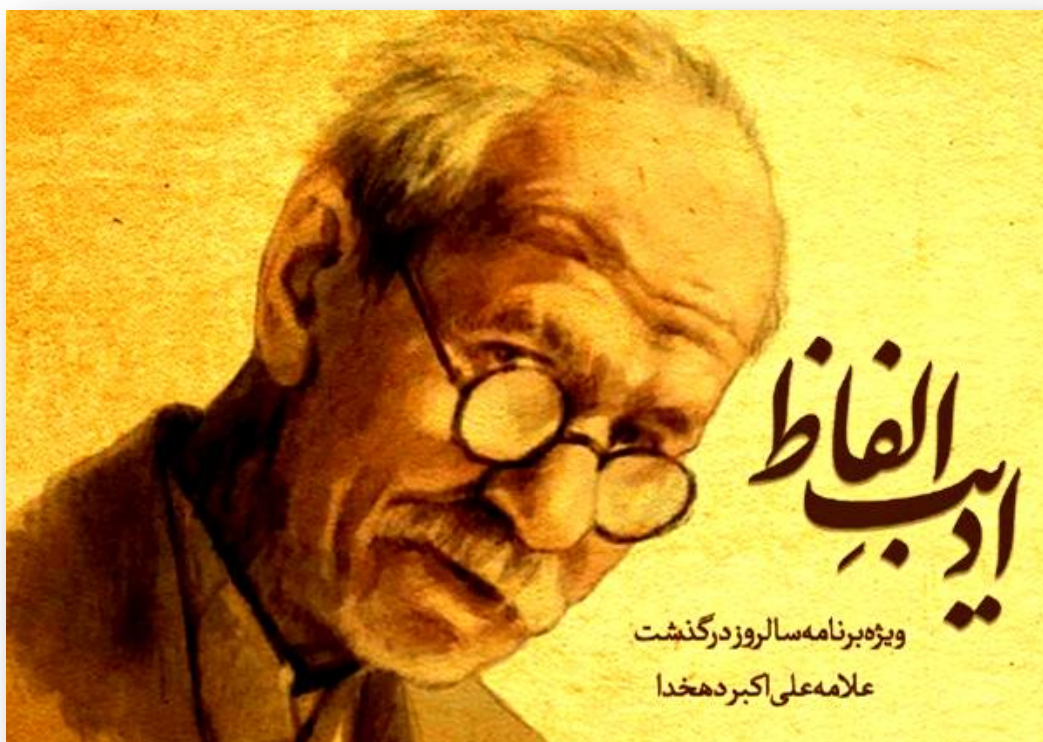
خواجه نصیرالدین طوسی، اندیشمند و مهندس سده هفتم هجری، نه تنها در فلسفه و ریاضیات سرآمد بود، بلکه نقش محوری در توسعه علمی و مهندسی زمان خود ایفا کرد. تأسیس رصدخانه مراغه و سامان‌دهی پژوهش‌های علمی در آن، نمونه‌ای روشن از تلفیق علم، نوآوری و مهندسی عملی است. او نشان داد که علم وقتی با تفکر خلاق و نظام‌مند همراه شود، می‌تواند جامعه را به سوی پیشرفت پایدار هدایت کند.

مهندسی امروز، بیش از طراحی سازه یا فناوری، ترکیبی است از تحلیل دقیق، نوآوری و مسئولیت اجتماعی. هر مهندس، در واقع وارث اندیشه‌هایی است که مسیر علم را با اخلاق و تعهد به جامعه پیوند زده‌اند؛ اندیشه‌هایی که خواجه نصیرالدین طوسی نمونه برجسته آن است. نگاه او به علم، پیوندی میان نظریه و عمل، خرد و خلاقیت و فلسفه و کاربرد است؛ الگویی که هنوز در مسیر آموزش و کار مهندسی راهنماست.

امروزه مهندسان با چالش‌های پیچیده محیط زیست، فناوری‌های نوین و توسعه پایدار مواجه‌اند. الهام از میراث خواجه نصیرالدین طوسی می‌تواند یادآور شود که مهندسی موفق، فراتر از محاسبات و طراحی، نیازمند دیدی جامع، تحلیل دقیق و خلاقیت هوشمندانه است.

تعهد به جامعه، اخلاق حرفه‌ای و توان نوآوری، همان مؤلفه‌هایی هستند که مهندسی را به عرصه‌ای انسان‌ساز و آینده‌ساز تبدیل می‌کنند.

روز مهندسی و بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی، تنها جشن علم و فناوری نیست؛ دعوتی است به تداوم نوآوری، تفکر نقادانه و مسئولیت اجتماعی در همه عرصه‌های مهندسی. این روز، یادآور آن است که هر پیشرفت فناورانه و هر سازه‌ای که ساخته می‌شود، ریشه در اندیشه‌ای دارد که با خلاقیت و تعهد، مرزهای ممکن را گسترش داده است و مسیر فردای روشن را برای جامعه می‌سازد.



« ۷ اسفند ماه سالروز درگذشت علی اکبر دهخدا »

سالروز درگذشت علی اکبر دهخدا، یادآور فقدان یکی از برجسته ترین چهره های فرهنگ و ادب ایران زمین است؛ اندیشمندی که عمر خویش را وقف پاسداری از زبان فارسی، آگاهی بخشی اجتماعی و اعتلای اندیشه ملی کرد. دهخدا نه تنها یک ادیب و لغت شناس، بلکه نمادی از تعهد فکری و مسئولیت فرهنگی در روزگار پر آشوب معاصر ایران بود.

علی اکبر دهخدا با نگاهی ژرف و نقادانه به جامعه، نقش مؤثری در بیداری فکری عصر مشروطه ایفا کرد. نوشته های او، چه در قالب مقالات انتقادی و چه در آثار پژوهشی، همواره با زبانی روشن، صریح و متکی بر خرد همراه بود. دهخدا باور داشت که زبان، ابزار آگاهی و اصلاح اجتماعی است و همین نگرش، او را به یکی از تأثیرگذارترین چهره های فکری زمان خود بدل ساخت.

بی تردید، برجسته ترین میراث علمی دهخدا، تدوین «لغت نامه دهخدا» است؛ اثری سترگ که حاصل دهه ها تلاش خستگی ناپذیر و پژوهشی عمیق در متون کهن و معاصر فارسی به شمار می رود. این لغت نامه، فراتر از یک فرهنگ لغات، گنجینه ای ارزشمند از تاریخ،

ادبیات، اصطلاحات، اعلام و تحولات زبانی ایران است و همچنان به عنوان یکی از مهم ترین منابع زبان فارسی مورد استفاده پژوهشگران و اهل فرهنگ قرار دارد.

دهخدا در کنار فعالیت های علمی، دغدغه ای جدی نسبت به سرنوشت جامعه و مردم داشت. نگاه انتقادی، طنز هوشمندانه و رویکرد روشنگرانه او، بازتابی از روحیه ای مسئول و آگاه بود که علم و قلم را در خدمت حقیقت و منافع عمومی می دید. او نمونه ای از روشنفکری متعهد است که میان دانش، اخلاق و مسئولیت اجتماعی پیوندی عمیق برقرار کرد.

سالروز درگذشت علی اکبر دهخدا، فرصتی برای بازخوانی میراث فکری و فرهنگی اوست؛ میراثی که همچنان الهام بخش پاسداری از زبان فارسی، تقویت هویت ملی و ترویج اندیشه نقادانه در جامعه امروز است. بزرگداشت نام و آثار دهخدا، در حقیقت ادای احترام به اندیشه ای است که زبان را ریشه فرهنگ و آگاهی را بنیان پیشرفت.



« ۷ اسفند ماه روز وکیل مدافع و سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری »

روز وکیل مدافع و سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری، فرصتی مغتنم برای بازخوانی جایگاه و نقش وکالت در تحقق عدالت، صیانت از حقوق شهروندی و استقرار حاکمیت

قانون است. این مناسبت، یادآور اهمیت نهادی است که با استقلال حرفه‌ای و پایبندی به اصول اخلاقی و قانونی، یکی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه به شمار می‌آید.

وکالت، صرفاً یک شغل حقوقی نیست، بلکه رسالتی اجتماعی و مسئولیتی خطیر در برابر وجدان عمومی است. وکیل مدافع، در جایگاه حامی قانون و مدافع حق، نقش واسطه‌ای آگاه و مستقل میان مردم و نظام قضایی ایفا می‌کند. حضور مؤثر وکیل در فرآیند دادرسی، تضمین‌کننده رعایت حقوق متهمان، شاکیان و به‌طور کلی، شهروندان است و به ارتقای اعتماد عمومی به عدالت قضایی کمک می‌کند.

استقلال کانون وکلای دادگستری یکی از بنیادی‌ترین ارکان سلامت نظام حقوقی محسوب می‌شود. این استقلال، به معنای رهایی از مداخله‌های غیرقانونی و فشارهای بیرونی است تا وکیل بتواند بدون هراس و مصلحت‌اندیشی، از حق دفاع کند. تجربه‌های حقوقی در جهان نشان داده است که هر جا نهاد وکالت از استقلال برخوردار بوده، عدالت قضایی و حقوق شهروندی نیز از پشتوانه‌ای قوی‌تر بهره‌مند شده است.

سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری، یادآور مسیری است که طی آن، نهاد وکالت توانسته جایگاه حرفه‌ای و قانونی خود را تثبیت کند و به‌عنوان نهادی مدنی و تخصصی، در خدمت قانون و جامعه قرار گیرد.

این استقلال، نه امتیازی صنفی، بلکه ضرورتی اجتماعی است که منافع آن در نهایت به مردم و نظام عدالت بازمی‌گردد.

در شرایط کنونی، نقش وکلا در آگاهی‌بخشی حقوقی، دفاع از حقوق عامه و مشارکت در ارتقای فرهنگ قانون‌مداری بیش از پیش اهمیت یافته است. وکلای دادگستری با دانش تخصصی، تعهد حرفه‌ای و پایبندی به اخلاق، می‌توانند سهمی مؤثر در کاهش نابرابری‌ها، پیشگیری از تضییع حقوق و تقویت عدالت اجتماعی داشته باشند.

روز وکیل مدافع و سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری، فرصتی است برای تجلیل از تلاش‌های جامعه وکالت و تأکید دوباره بر ضرورت استقلال، شجاعت و مسئولیت‌پذیری در دفاع از حق. پاسداشت این روز، در حقیقت پاسداشت عدالت، قانون و کرامت انسانی است؛ ارزش‌هایی که بدون وکالت مستقل و آگاه، تحقق کامل نخواهند یافت.



« ۸ اسفند ماه روز امور تربیتی و تربیت اسلامی »

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی، یادآور جایگاه بنیادین تربیت در شکل‌دهی به هویت فردی و اجتماعی نسل‌هاست؛ جایگاهی که فراتر از انتقال دانش، به پرورش انسان متعهد، آگاه و مسئول می‌انجامد. این روز، فرصتی است برای بازاندیشی در نقش نظام آموزشی در ساختن جامعه‌ای اخلاق‌محور، پویا و برخوردار از سرمایه انسانی سالم.

امور تربیتی در منظومه تعلیم و تربیت، ناظر بر رشد همه‌جانبه انسان است؛ رشدی که عقل، اخلاق، ایمان، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مهارت‌های زندگی را به‌صورت متوازن در بر می‌گیرد. تربیت اسلامی با تکیه بر کرامت انسانی، تعادل میان عقل و ایمان، و پیوند علم با اخلاق، می‌کوشد انسان را به سوی خودشناسی، خداشناسی و خدمت به جامعه هدایت کند. در این رویکرد، آموزش بدون تربیت، ناقص و ناپایدار تلقی می‌شود.

نام‌گذاری این روز، با اندیشه‌ها و تلاش‌های دو چهره تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران، محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر پیوند خورده است؛ شخصیت‌هایی که با نگاهی عمیق به آموزش و پرورش، بر ضرورت توجه هم‌زمان به تعلیم و تربیت تأکید داشتند. آنان معتقد بودند که آینده جامعه، در گرو پرورش نسلی است که علم را با اخلاق و تعهد اجتماعی درهم می‌آمیزد.

نقش مربیان و فعالان امور تربیتی در این مسیر، نقشی تعیین‌کننده و چندبعدی است. مربی تربیتی، تنها انتقال‌دهنده مفاهیم نیست، بلکه الگوی رفتاری، راهنما و همراه دانش‌آموز در مسیر رشد شخصیتی و اخلاقی به شمار می‌آید. ایجاد فضای امن تربیتی، تقویت روحیه گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری، احترام متقابل و هویت‌یابی سالم، از مهم‌ترین وظایف این حوزه است.

در جهان امروز که تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی با شتابی بی‌سابقه در جریان است، اهمیت تربیت اسلامی بیش از گذشته آشکار می‌شود. تربیتی که بتواند قدرت تحلیل، تفکر نقادانه، خودکنترلی اخلاقی و توان مواجهه مسئولانه با چالش‌ها را در نسل جوان تقویت کند، پشتوانه‌ای مطمئن برای پایداری اجتماعی و فرهنگی خواهد بود.

روز امور تربیتی و تربیت اسلامی، فرصتی برای قدردانی از تلاش‌های دلسوزانه مربیان و بازخوانی مأموریت خطیر تربیت در نظام آموزشی است. پاسداشت این روز، تأکید دوباره بر این حقیقت است که پیشرفت پایدار، نه‌تنها از مسیر دانش، بلکه از رهگذر تربیت انسان‌هایی متعهد، اخلاق‌مدار و آگاه تحقق می‌یابد.



« ۸ اسفند ماه روز ملی حمایت از بیماران نادر »

گاهی رنج، پرهیاهو نیست. صدایی ندارد که در ازدحام خبرها شنیده شود و آماری نیست که هر روز تیتراژ رسانه‌ها را به خود اختصاص دهد. بیماری‌های نادر، از همین جنس‌اند؛ آرام، کم‌تعداد، اما عمیق و ماندگار. روز ملی حمایت از بیماران نادر، یادآور انسان‌هایی است که شاید «نادر» نامیده شوند، اما حق زندگی باکیفیت، درمان مؤثر و دیده‌شدن، حقی کاملاً عمومی و انسانی برای آنان است.

بیماری‌های نادر، اگرچه هر یک جمعیت محدودی را درگیر می‌کنند، اما در مجموع میلیون‌ها نفر در جهان با این شرایط زندگی می‌کنند. پیچیدگی تشخیص، کمبود داروهای تخصصی، هزینه‌های بالای درمان و نبود آگاهی کافی، از چالش‌های همیشگی این بیماران و خانواده‌هایشان است. در بسیاری از موارد، مسیر درمان طولانی و فرساینده است و بیمار، پیش از رسیدن به تشخیص درست، بارها با سردرگمی و ناامیدی روبه‌رو می‌شود.

در چنین شرایطی، حمایت صرفاً به معنای درمان پزشکی نیست. حمایت واقعی، مجموعه‌ای از آگاهی‌بخشی، سیاست‌گذاری سلامت‌محور، دسترسی عادلانه به خدمات درمانی، پوشش بیمه‌ای مناسب و پشتیبانی روانی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. نهادهایی مانند بنیاد بیماری‌های نادر ایران با هدف شناسایی، ثبت، حمایت و پیگیری حقوق بیماران نادر شکل گرفته‌اند تا این خلأ جدی را تا حد امکان جبران کنند و صدای این بیماران را به گوش جامعه و مسئولان برسانند.

روز ملی حمایت از بیماران نادر، فرصتی است برای تغییر زاویه نگاه؛ نگاهی که «کم‌بودن تعداد» را با «کم‌اهمیت بودن» اشتباه نگیرد. هر بیمار نادر، دنیایی از نیاز، توانمندی و امید است که با حمایت درست می‌تواند زندگی فعال و مؤثری در جامعه داشته باشد. توسعه پژوهش‌های علمی، تولید داروهای تخصصی، آموزش کادر درمان و ارتقای آگاهی عمومی، از گام‌های ضروری در این مسیر است.

این روز، همچنین یادآور نقش جامعه در کنار نظام سلامت است. همدلی اجتماعی، حذف نگاه ترحم‌آمیز، پذیرش تفاوت‌ها و ایجاد بسترهای برابر برای تحصیل، اشتغال و حضور اجتماعی بیماران نادر، بخشی جدایی‌ناپذیر از حمایت واقعی به شمار می‌آید. جامعه‌ای که بیماران نادر را می‌بیند، در حقیقت به بلوغ انسانی خود نزدیک‌تر شده است.

روز ملی حمایت از بیماران نادر، روز شنیدن صداهای کم‌تعداد اما ارزشمند است؛ صداهایی که از حق زندگی، امید و کرامت انسانی سخن می‌گویند. پایان این روز، نباید پایان توجه

باشد. حمایت از بیماران نادر، یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه تعهدی مداوم است؛ تعهدی برای ساختن جامعه‌ای که در آن، هیچ انسانی به دلیل نادر بودن، تنها نماند



« ۸ اسفند ماه روز بزرگداشت حکیم حاج ملاهادی سبزواری »

اندیشه، گاهی در سکوت می‌بالد؛ نه در هیاهوی قدرت، بلکه در خلوت تأمل و گفت‌وگوی عمیق با عقل و معنا. حکمت اسلامی نیز مسیر خود را بیش از هر چیز از همین سکوت‌های پربار یافته است. روز بزرگداشت حکیم حاج ملا هادی سبزواری یادآور یکی از درخشان‌ترین چهره‌های این سنت فکری است؛ اندیشمندی که فلسفه را از حصار کتاب‌ها بیرون آورد و به جریان زنده اندیشه در عصر خود بدل ساخت.

حاج ملا هادی سبزواری از برجسته‌ترین حکمای سده سیزدهم هجری به شمار می‌رود که نقش تعیین‌کننده‌ای در احیای حکمت متعالیه ایفا کرد. او با تکیه بر میراث فلسفی صدرالدین شیرازی و نگاهی تحلیلی و آموزشی، توانست فلسفه اسلامی را به زبانی منسجم، قابل تدریس و پویا بازآفرینی کند. آثار او، به‌ویژه در حوزه منطق و فلسفه، قرن‌هاست که در حوزه‌های علمی تدریس می‌شود و همچنان مرجع اهل نظر است.

ویژگی برجسته حکمت سبزواری، پیوند دقیق عقل، شهود و ایمان است. او فلسفه را نه دانشی انتزاعی و دور از زندگی، بلکه ابزاری برای فهم عمیق‌تر هستی و جایگاه انسان در آن می‌دانست. در نگاه او، حکیم کسی است که میان دانستن و شدن فاصله‌ای قائل نیست و معرفت را به سلوک اخلاقی و معنوی گره می‌زند. همین رویکرد، اندیشه سبزواری را از سطح نظری فراتر برده و به تجربه‌ای زنده از حکمت تبدیل کرده است.

سبزواری در کنار جایگاه علمی، نقش مهمی در تربیت شاگردان و تداوم سنت فلسفی ایران ایفا کرد. حوزه علمی سبزواری در دوره او به یکی از کانون‌های مهم فلسفه اسلامی بدل شد و بسیاری از اندیشمندان پس از او، مستقیم یا غیرمستقیم از مکتب فکری‌اش بهره بردند. دقت در آموزش، نظم فکری و پایبندی به اصالت فلسفی، از شاخصه‌های روش علمی او به شمار می‌آید.

روز بزرگداشت حکیم حاج ملا هادی سبزواری، فرصتی است برای بازاندیشی در نسبت ما با حکمت؛ نسبتی که در جهان پرشتاب امروز، بیش از همیشه به آن نیازمندیم. اندیشه او یادآور این حقیقت است که پیشرفت بدون تأمل، و دانش بدون معنا، راه به جایی نمی‌برد.

بزرگداشت این حکیم فرزانه، صرفاً ادای احترام به گذشته نیست؛ بلکه دعوتی است برای بازگشت به تفکری عمیق، مسئولانه و معناگرا. اندیشه سبزواری همچنان نجوا می‌کند که راه آینده، از عقلانیتی می‌گذرد که با اخلاق، ایمان و خودشناسی همراه باشد؛ همان سکوتی که در آن، اندیشه دوباره جان می‌گیرد.